



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The ۱۶ rd.

Year/NO: ۲ Summer ۲۰۲۳

Prosecutor's Role in Ensuring the Rights of the Accused in the Iranian Islamic Law and Common Law Legal System

Sanjarani, Faramaraz^۱ Fakhre Hossein^۲ Fani Reza^۳ Akbari Abbas Ali^۴

Received date: ۲۰۲۲/۱۲/۳۱

Acceptance date: ۲۰۲۳/۰۶/۰۹

Abstract

The accused person should have some tools to prove his/her innocence. Because this person has a special position in the criminal proceedings while the sovereignty. Some cases have led to the Iranian legislator ignorance of accused person's right in the process of approving the criminal procedure Law in ۲۰۱۲. These cases are: Iran Criminal Justice System's effectiveness from the inspection system and its limitation like the impossibility of lower's interference during the investigation, ignoring the requirements of a fair trial, working the same authority for referral, prosecution, investigation, trial and execution of the sentence, and the same failure to foresee a differential trial for some crimes such as crimes against security. Prosecutor's office is the first judicial institution in dealing with crime, which has a very vital and fundamental role in filing and creating criminal cases, maintaining their order and creating social and judicial security. We tried to use a descriptive and analytical method in collecting contents from library sources, to evaluate the fundamentals and general principles and provisions governing the accused person's rights and prosecutor's role in this field of Iran legal system and common law. The criminal justice system of our country can be closer to the new criminal justice systems in future developments by localization of some available executions guarantees in the common law.

Keywords: Prosecutor's office, Prosecutor, Accused, Defense rights if the accused, fair trial

^۱ . PhD student in criminal law and criminology, Department of Criminal Law and Criminology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Sanjarani.faramaraz^{۱۲}@yahoo.com

^۲ . assistant professor, Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, Tabriz University, Iran.(corresponding author) hossein.fakhr^{۱۳۶۵}@gmail.com.

^۳ . Assistant Professor, Fiqh and Islamic Law Department, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran. drfaani^{۱۴۸}@gmail.com

^۴ . Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. a.ali_akbari@yahoo.com

نقش دادستان در تأمین حقوق متهم در نظام حقوق اسلامی ایران و کامن لا

فرامرز سنجرانی^۱ حسین فخری^۲ رضا فانی^۳ عباسعلی اکبری^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۹

چکیده

متهم به دلیل موقعیت ویژه ای که در دادرسی کیفری دارد در مواجهه با قدرت حاکمیت، لازم است ابزارهایی در دست داشته باشد تا بتواند بی گناهی خود را ثابت نماید. تاثیرپذیری نظام دادرسی کیفری ایران از سیستم تفتیشی و محدودیتهای ناشی از آن از جمله عدم امکان مداخله وکیل در جریان تحقیقات، عدم توجه به الزامات دادرسی عادلانه، یکی بودن مقام ارجاع، تعقیب، تحقیق، رسیدگی و اجرای حکم و عدم پیش بینی دادرسی افتراقی برای برخی از جرایم نظیر جرایم علیه امنیت، مواردی هستند که قانونگذار ایرانی با غفلت از آنها در جریان تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ موجب نادیده گرفته شدن حقوق متهم گردیده است. از آنجا که اولین نهاد قضایی در رویارویی با جرم که نقشی بسیار مهم و اساسی در تشکیل و ایجاد پرونده های کیفری و حفظ نظم و ایجاد امنیت اجتماعی و قضایی بر عهده دارد، دادسرا است بر این اساس نگارندگان این مقاله تلاش نموده اند تا با استفاده از روشی توصیفی و تحلیلی در جمع آوری مطالب از منابع کتابخانه ای، مبانی و اصول کلی حاکم بر تضمینات و تمهیدات ناظر بر حقوق متهم و نقش دادستان در این زمینه را در نظام حقوقی ایران و کامن لا مورد ارزیابی قرار دهند. تا با بررسی امکان بومی سازی برخی از ضمانت اجراهای موجود در حقوق کامن لا، سیستم دادرسی کیفری کشورمان بتواند در تحولات آتی خود را به سیستم های نوین عدالت کیفری نزدیکتر نماید.

واژگان کلیدی: دادسرا، دادستان، متهم، حقوق دفاعی متهم، دادرسی عادلانه.

^۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. sanjarani.faramarz@yahoo.com

^۲. دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، ایران (نویسنده مسئول). hossein.fakhr@gmail.com

^۳. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. drfaani@gmail.com

^۴. استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. a.ali_akbari@yahoo.com

مقدمه

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با تأثیر پذیری از الگوی جهانی دادرسی عادلانه در اسناد بین المللی حقوق بشر، تحولات متعددی را در مورد حمایت از متهم پیش بینی کرده است که ضمانت اجرایی آنها را می توان در ماده ۵۷۰ از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) اصلاحی مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۱ بصورت مجازات انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی و علاوه بر آن حبس از دو ماه تا سه سال، همچنین مقررات مربوط در قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ به شرح مواد ۷، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ جستجو کرد. از آنجا که دادستان در تشکیل و روند رسیدگی پرونده کیفری نقش بسیار مهمی دارد بنابراین عدم رعایت الزامات و قواعد مربوط به دادرسی عادلانه در مراحل مختلف دادرسی کیفری علی الخصوص مرحله تحقیقات مقدماتی از طرف او می تواند جریان دادرسی را به سوی اتخاذ تصمیمی ناعادلانه بکشاند. در حقوق ایران دادستان هم مقام کشف جرم است و هم مقام تحقیق و هم تعقیب. بنابراین دادستان در تعقیب متهم باید حقوق او را به عنوان جزئی از عموم، رعایت نماید. از آنجا که کشورهای انگلستان، اسکاتلند، ولز و ایرلند روی هم پادشاهی بریتانیای کبیر را تشکیل می دهند و سیستم حقوقی این کشورها به جز ایرلند شمالی از حقوق انگلستان تأثیر پذیرفته است لذا با تأکید بر حقوق انگلستان تلاش شده است تا با ارایه مطالعه تطبیقی نقش دادستان در حمایت از متهم بویژه بررسی نهادهای موجود در حقوق کامن لا برای حمایت از حقوق متهم؛ رعایت اصل برائت، اصل بهره مندی از آزادی به قید ضمانت و بهره گیری از قاعده اقتضاء تعقیب و نهاد معامله اتهام، ضرورتهای اصلاحات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از لحاظ حفظ حقوق دفاعی متهم تبیین شود.

اهداف تحقیق

- ۱- بررسی ظرفیت های نظام حقوقی ایران در ارتباط با نقش دادستان در حمایت از حقوق متهم و بزه دیده با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- ۲- مطالعه مبانی حمایت دادستان از حقوق افراد در حقوق ایران و کامن لا
- ۳- شناخت تکلیف دادستان در حمایت از حقوق متهم و بزه دیده در حقوق ایران
- ۴- بررسی اقدامات دادستان در حمایت از حقوق متهم و بزه دیده در حقوق کامن لا

روش تحقیق

این تحقیق با مراجعه به کتابخانه های حقوقی اعم از دانشگاههای دولتی و آزاد و منابع موجود شامل کتاب ها و مقالات مرتبط با موضوع همچنین مراجعه به پایگاه ها و سایت های اینترنتی و بانک های اطلاعاتی و استنادی همانند پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، SID، مرکز تحقیقات علوم انسانی نور (نور مگز)، تبیان، مگ ایران، سیلیویکا، سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و کتابخانه های دیجیتالی از روش توصیفی و تحلیلی در جمع آوری مطالب استفاده کرده است.

۱- نقش دادستان در حقوق دفاعی متهم

حقوق دفاعی متهم که امروزه به عنوان جزء جدایی ناپذیر دادرسی منصفانه در قوانین و مقررات داخلی و بین المللی مطرح و مورد حمایت قرار گرفته است، به معنای مجموعه امتیازات و امکاناتی است که در یک دادرسی منصفانه لازم است، متهم از آن برخوردار

باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که بر خلاف فرض برائت، علیه او مطرح شده، در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع کند (امیدی، ۱۳۹۵، ص. ۲۲۵). در واقع، پذیرش حقوق دفاعی برای متهم از مهمترین نتایج اصل برائت است. اصلی که به موجب آن بی گناهی متهم مفروض است مگر اینکه دادستان خلاف آن را اثبات نماید (شاملو، ۱۳۹۲، ص. ۲۶۲). به زعم حقوقدانان کامن لا موضوعی مهمتر از دادرسی، اجرای عدالت و قواعد شکلی وجود ندارد چرا که اگر اجرای عدالت ممکن نباشد، بر حقوق ماهوی فایده ای مترتب نیست. آنچه که از قوانین کشورهای مختلف بدست می آید این است که در نظام های مختلط آیین دادرسی کیفری اصولاً متهم در مرحله محاکمه از بیشترین حقوق دفاعی برخوردار است. در عین حال در جهت ایجاد تساوی سلاحها، در مرحله تحقیقات مقدماتی هم حقوقی برای متهم به جرم قائل می شوند (حیدری، ۱۳۹۴، ص. ۳۴). اقامه دعوی و تعقیب متهم از یک سو و دفاع از حقوق جامعه از سوی دیگر به مثابه دو کفه یک ترازو هستند که دادستان باید با رعایت حقوق متهم توازن آنها را حفظ نماید. زیرا دادستان نماینده جامعه است و متهم نیز جزء افراد جامعه به شمار می آید. در این راستا و در کنار رعایت حقوق عامه، ادله جرم و رعایت کامل عدل و انصاف به هنگام گردآوری آنها از اصول اولیه اخلاق حرفه ای دادستان است و صیانت آن از الزام اخلاقی و قانونی برخوردار است.

۲- مبانی حمایت دادستان از حقوق متهم

۲-۱- مبانی حقوق بشری

حقوق بشر عبارت است از مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه که افراد به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم، با تضمینات و حمایت های لازم، از آن برخوردار می باشند (فاطمی، ۱۳۸۹، ص. ۱۹). از جمله محورهای اساسی عدالت کیفری این است، که عدالت در تمامی مراحل اعم از تعیین جرم، تعیین مجازات، تعقیب متهم، صدور حکم کیفری و اجرای آن طبق اصول و مقررات و ضوابط پیش بینی شده در قانون جریان یابد نه این که حاکمیت برای مقابله با مجرمان و تعقیب اخلاص گران نظم عمومی، تابع هیچ اصل و قیدی نباشد. این رویکرد در عرصه بین المللی نیز کاملاً موجه و پذیرفته شده است (نقره کار، ۱۳۸۸، ص. ۵۸). بر همین اساس قانون اساسی ما اصل برائت را که مقتبس از عدالت قضائی است، مورد توجه قرار داده و صراحتاً اشعار می دارد: « اصل، برائت است ... »، چرا که اگر این اصل مخدوش گردد، حقوق متهم دچار آسیب شده و در نتیجه عدالت دچار صدمه خواهد شد و حقوق حقه بشر و آزادی های مسلم انسانی با چالش جدی مواجه خواهد گردید» (نقره کار، ۱۳۸۸، ص. ۶۳). نگاه جامعه در بررسی حقوق متهم ناشی از نگاه انسانی است که به متهم می شود. صرف نظر از این که متهم، تبرئه یا محکوم شود یک انسان است و باید رفتار با وی در تمام مراحل دادرسی و مقدمات آن منطبق با کرامت انسانی و شأن و منزلت یک انسان باشد. با توجه به مطالب فوق الذکر می توان به این مهم رسید که دادستان به عنوان مدعی العموم باید در همه مراحل دادرسی، منصفانه رصدگر حقوق متهم باشد و از آن حمایت نماید. هر چند در قوانین کشور ما به طور صریح سخن از حمایت دادستان از حقوق متهم به میان نیامده است، ولی مبنا و فلسفه وجودی نهاد دادستانی اقتضای این حمایت را دارد. از سوی دیگر یکی از وظایف دادستان احترام و حمایت از حقوق بشر است. این مهم در بسیاری از اسناد بین المللی از جمله بند ۲۴ قطعنامه شماره ۲۰۰۰/۱۹ مورخ ۱ اکتبر ۲۰۰۰ شورای اروپا در مورد نقش دادستان در سیستم عدالت کیفری چنین مورد تاکید قرار گرفته است که دادستانها باید وظایفشان را منصفانه، بی طرفانه و واقع بینانه انجام دهند و به حقوق بشر احترام بگذارند، آن گونه که در

کنوانسیون حفظ حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (کنوانسیون اروپایی) مقرر گردیده است.^۱ در «آیین نامه رفتاری دادستان‌ها»^۲ مصوب ۲۲ آوریل ۱۹۹۹ انجمن بین‌المللی دادستان‌ها نیز بر اهمیت استقلال و بی‌طرفی و نیز حمایت از اصل محاکمه عادلانه و تأمین دلیل به نفع شخص متهم و نیز بر رعایت مفهوم حقوق بشر و کرامت ذاتی انسان‌ها توسط دادستان‌ها تأکید شده است.

۲-۲- مبنای امنیتی

«امنیت قضایی» از حقوق اساسی در هر کشوری است که با «اجرای قانون» رابطه تنگاتنگی دارد؛ زیرا اجرای سریع و مداوم قانون در جامعه، مستلزم وجود «امنیت قضایی» است. امنیت قضایی مفهومی است که بیشتر متوجه «نهاد و دستگاه قضایی» است و مؤلفه‌های آن در مواجهه با ساختار، وظایف و عملکرد دستگاه قضایی بدست می‌آید؛ از این منظر «امنیت قضایی» یکی از حقوق شهروندان بر دولت و دستگاه حکومت تلقی می‌شود (اشراقی، ۱۳۸۶، ص. ۴۱). برای اینکه امنیت قضایی و عدالت کیفری در جامعه ایجاد شود، برخی از اصول اساسی باید به وسیله نظام قضایی، تضمین شوند. مهم‌ترین این اصول عبارتند از: اصل برائت، اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری به نفع متهم، اصل علنی بودن محاکمات، اصل تساوی در برابر قانون، اصل شخصی بودن مجازات‌ها و... از طرف دیگر «عملکرد بدون تبعیض» نظام قضایی نیز شرط دیگری برای حصول به امنیت قضایی است. وجود تبعیض در شیوه عمل و فرایند قضاوت نه تنها برخی شاخص‌های عینی امنیت قضایی را زایل می‌کند، بلکه از طریق تأثیر گذاری منفی در ذهنیت مردم، اطمینان را از اذهان ایشان فراری می‌دهد (علینقی، ۱۳۷۹، ص. ۵۷). بنابراین برای اینکه «امنیت قضایی پایدار» در سیستم عدالت کیفری مستقر شود دادستان باید تمام ابزار و امکانات خویش را در جهت حفظ و حمایت از حقوق شهروندان بکار گرفته و امنیت قضایی را برای تک تک افراد جامعه ایجاد نماید. بنابراین اینکه بگوییم حمایت دادستان از حقوق متهم در راستای ایجاد امنیت قضایی می‌باشد سخن گزاف نیست.

۲-۳- مبنای سیاسی

دولت با وسایل قهری و مادی که در اختیار دارد، دستورها و فرامین خود را به موقع اجرا گذاشته و به اعمال حاکمیت می‌پردازد. قانون اساسی در نظام حاکمیتی، در مقام چهار چوب بندی قدرت و ساختار سازی حاکمیت برای اعمال ضابطه مند قدرت است و حدود و ثغور فعالیت حاکمان را به تصویر می‌کشد و عندالاقضا اعمال حاکمیت و اعمال تصدی را تنظیم می‌کند. نظام جمهوری اسلامی که بر اساس دکترین سیاسی اسلامی تأسیس شده است، حاکمیت مطلق بر جهان و انسان را، از آن خدا دانسته و بر اساس تأکیدات آموزه‌های دینی، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است (قاضی، ۱۳۸۳، ص. ۷۴). قدرت حاکمیت، ابزاری است برای نیل به اهدافی که این اهداف می‌تواند کلان و یا خرد باشد. یکی از اهداف کلان حکومت، تأمین و تضمین حقوق مردم جامعه می‌باشد مردمی که گاهی شماری از ایشان در مظان اتهام قرار می‌گیرند و عنوان متهم پیدا می‌کنند و این متهم از همان مردمی است که از برخی از حقوق و آزادی‌های خود، به نفع قدرت سیاسی حاکمیت صرف نظر نموده و انتظار دارد که حاکمیت در هر شرایط زمانی و مکانی از حقوق مسلم و موجه او حمایت کند. مشروعیت سیاسی حکومت چه از بعد داخلی و چه از بعد خارجی بستگی به تأمین و تضمین حقوق مردم دارد لذا دادستان باید به عنوان نماینده حکومت به پاس داشت این حقوق بپردازد.

^۱ - The Role of Public Prosecution in the Criminal Justice System.

^۲ - Prosecutors behavioral regulation.

۳- حقوق متهم در فقه اسلامی:

با مطالعه کتب فقهی و حقوقی به خوبی این نکته مستفاد می‌گردد که در نظام دادرسی اسلامی نکات بسیار مترقی پیرامون حفظ حقوق متهم بیان گردیده است. با بررسی قانون اساسی به ویژه در فصل سوم آن و دیگر قوانین که الهام بخش آنها نیز حقوق اسلامی است بحث حفظ حقوق متهم پررنگ تر می‌شود. می‌توان برخی از تضمینات اساسی حقوق متهم را که در دادرسی اسلامی مطرح و توسط قوانین موضوعه پذیرفته شده است این گونه برشمرد: حق داشتن وکیل مدافع، اصل برائت و فرض بی‌گناهی متهم، حق مصونیت از دستگیری و بازداشت خودسرانه، حق سکوت، تحصیل دلیل از طریق مشروع، حق برخورداری از دادرسی منصفانه و بی‌طرف و علنی، حق مواجهه با شهود جرم و تعدیل آنها و دیگر حقوقی که رعایت و تضمین آنها در قوانین نیز مورد تأیید قرار گرفته است. لیکن ما در قانون آیین دادرسی کیفری با مشکلاتی روبرو هستیم که حتی با قانون اساسی و منابع معتبر فقهی و نیز اعلامیه‌های منطقه‌ای و جهانی خیلی سازگاری ندارد و جای اصلاح این گونه قوانین و کمک به حفظ حقوق متهم خالی می‌باشد (اصل ۱۳۹۱، چکیده). بنابه به مراتب به جهت اینکه مبنای دادرسی اسلامی بر قرآن، سنت، اجماع و عقل استوار است لذا احکام و دستورات آن حقوق متهم را تضمین می‌کند. هر چند در نظام دادرسی اسلامی برخی از حقوق شناخته شده متهم مثل حق تفهیم اتهام مطابق با نظام‌های نوین دادرسی متصور نیست، اما مشروعیت آنها قابل استنباط است (براری لاریمی، قبولی درافشان، ۱۳۸۹، ص ۷۷).

۳-۱- تفهیم اتهام

در ارتباط با تفهیم اتهام صراحتاً مطلبی از سوی فقها بیان نشده است اما عقل ضرورت وجود این حق را حکم می‌کند. حق سکوت ناظر بر حق متهم در قبال سوالات قاضی است. در این خصوص فقها در باب القضاء ذیل مبحث پاسخ مدعی علیه، چنین بحث می‌کنند؛ «هرگاه مدعی دعوای مسموعی را مطرح کند متهم می‌تواند در قالب اقرار یا انکار یا سکوت به اتهام مطروحه واکنش نشان دهد» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، جلد ۳، ص ۷۶).

۳-۲- منع شکنجه

در مورد منع شکنجه متهم علاوه بر وجوب حفظ حرمت انسانی متهم که بیانگر ممنوعیت شکنجه است، دلایل منصوص فقهی، آیان و روایات و عقل نیز بر حرمت شکنجه متهم دلالت دارند بطوریکه با توجه به جایگاه عالی انسان در آیات قرآن و تأکید بر کرامت ذاتی او، تعذیب و شکنجه وی بدلیل مغایرت با منزلت کرامت اسنان، ممنوع دانسته شده است. از سوی دیگر روایاتی که از معصومان (ع) در کتب روایی شیعه و اهل سنت نقل شده است همگی تعذیب دیگران را حرام دانسته‌اند.

۳-۳- بازداشت متهم

پیرامون بازداشت متهم بدلیل اینکه در حقوق اسلامی نا مشروع بودن بازداشت موقت و توقیف احتیاطی امری روشن است لذا حکمی که موجب سلب بدون دلیل آزادی افراد شود تشریح نشده است به جز قتل که در این جرم نیز برخی از فقهای شیعه و سنی به جواز آن فتوا داده‌اند و عده‌ای دیگر مانند محقق حلی، شهید ثانی و ابن حزم با آن مخالفت کرده‌اند.

۳-۴- رعایت تساوی بین طرفین دعوا

رعایت تساوی بین طرفین طرفین دعوا به عنوان یکی دیگر از حقوق متهم در دادرسی در حقوق اسلام با عنوان «وجوب التسویه بین الخصمین» در ذیل آداب قضاء آمده است و قاضی را ملزم نموده است که در طول رسیدگی، بی طرفی ظاهری را رعایت و از رفتارهای شبه انگیز خودداری کند.

۳-۵- علنی بودن دادرسی

بررسی آیاتی که دادرسی عادلانه را واجب می کند مانند آیه دوم از سوره نور که به صراحت دلالت بر لزوم علنی بودن اجرای حکم دارد و روایات منقول از معصومین(ع) و سیره قضایی ایشان از جمله پافشاری امیر المومنین(ع) در نامه اش به شریح قاضی نسبت به منع دادرسی در منزل و به رسمیت نشناختن آن و احیای دادرسی در مسجد به عنوان سیره عملی نشان دهنده لزوم علنی بودن دادرسی است (الله یاری، طباطبائی لطفی، ۱۳۹۹، ص ۵۶).

۳-۶- حق داشتن وکیل

فقهای اسلام اعم از شیعه و اهل سنت توکیل را در همه امور جز در مواردی که غرض شارع به طور مستقیم به آنها تعلق گرفته و مباشرت مکلف شرط است جایز دانسته اند. شیخ طوسی در کتاب مبسوط مبحث وکالت پس از آن که وکالت را جایز و اجماع امت اسلامی را بر آن ادعا کرده است کراهت ترک آن را با اتکا به سیره و سنت معصومان(ع) ثابت می کند. از سوی دیگر دیدگاه فقها درباره حق بهره مندی از وکیل در دعاوی را می توان در باب وکالت ذیل عناوینی مانند «التوکیل بالخصومه، التوکیل فی المنازعات» یعنی «وکالت در دعاوی» یافت (براری لاریمی، قبولی درافشان، ۱۳۸۹، صص. ۴۴-۴۳).

۴- نقش دادستان در تامین حقوق متهم در دادرسی های کیفری

کشف جرم اولین مرحله فرآیند رسیدگی است و اقداماتی که در این مرحله اجرا می شوند تاثیر اساسی بر جریان فرآیند رسیدگی و هدایت آن به سمت محکومیت یا برائت متهم دارد. اهمیت این مرحله ایجاب می نماید نهادی با عنوان نهاد مستقل کشف جرم ایجاد شود که مسئولیت اجرای کلیه اقدامات مرتبط با کشف جرم به صورت حرفه ای و تخصصی را عهده دار است (افراسیابی، غلامی، ۱۳۹۸، ص ۲۲۰). در قانون پلیس و ادله کیفری^۱ عنوان صریحی به نام مرحله کشف جرم وجود ندارد. این مرحله در سیستم اتهامی که انگلیس نیز تا حدودی چنین سیستمی دارد، تحقیقات پلیسی نامیده می شود لکن چنین واژه ای نیز در قانون فوق الذکر وجود ندارد و هیچ واژه ای شبیه به تحقیقات پلیسی به چشم نمی خورد (اسپنسر، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱). با توجه به اینکه دادرسی کیفری در انگلیس شامل دو مرحله گسترده ۱- تحقیقات در پاسگاه پلیس^۲ ۲- مرحله محاکمه در دادگاه می باشد، بنابراین تمام تحقیقاتی که در پاسگاه پلیس صورت می پذیرد تحت عنوان تحقیقات پلیسی خوانده می شود و این تحقیقات نیز تابع قانون پلیس و ادله کیفری مصوب ۱۹۸۴ می باشد.

تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی تا تسلیم به مرجع قضایی صورت می گیرد (باقرپور، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲). در آیین دادرسی کیفری نوین انگلیس، چیزی برابر با تحقیقات و قاضی تحقیقات موجود در حقوق فرانسه و حقوق ایران - وجود ندارد (اسپنسر، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴) و پس از تصمیم به ادامه تعقیب آغاز

^۱ - Police and criminal Evidence Act (۱۹۸۴). (P.A.C.E).

^۲ - Police Station.

شده توسط پلیس، پرونده در دادگاه مطرح خواهد شد و مرحله ای تحت عنوان تحقیقات مقدماتی که در دادسرا صورت پذیرد وجود ندارد و این ناشی از سیستم اتهامی است که بر دادرسی کیفری انگلیس حکم فرماست.

قانونگذار ایران در ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تعریفی از تحقیقات مقدماتی آورده است اما به علت تفتیشی بودن تحقیقات مقدماتی در نظام دادرسی کیفری ایران، حقوق دفاعی قابل توجهی را برای متهم پیش بینی نکرده است. برای مثال، در این مرحله، نه فقط حق استفاده از پرونده تحقیقات مقدماتی به وسیله وکیل پیش بینی نشده، بلکه هیچگونه الزام قانونی برای قاضی تحقیق در مورد پذیرش درخواست وکیل برای انجام تحقیق خاصی که به کشف حقیقت کمک می کند به عنوان یکی از حقوق دفاعی متهم و شاکی وجود ندارد (ساقیان، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۴).

۴-۱- تفهیم اتهام

منظور از تفهیم اتهام، اعلام صریح، روشن و مشخص عنوان مجرمانه ای است که به شخص متهم نسبت داده شده است تا او از این امر آگاه شود که به واسطه ظن ارتکاب چنین عملی مستحق تعقیب کیفری شناخته شده است (خالقی، ۱۳۹۲، ص. ۱۸۸). در انگلستان پلیس مکلف است هر گاه مظنونی را دستگیر نمود سه مطلب را فوراً به او تفهیم نماید:

الف- به اتهام چه جرمی دستگیر شده است.

ب- متهم حق دارد به سوالات پلیس پاسخ ندهد.

ج- مواظب اظهاراتش باشد چون ممکن است علیه وی مورد استناد قرار گیرد (Barnard, ۱۹۷۴: p. ۴).

تفهیم اتهام در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس نیز اهمیتی خاص دارد و ضمانت اجرای تخلف از آن، بطلان تحقیقات بعدی می باشد ولی متهم می تواند از شکایت صرف نظر نماید و تشریفات را قانونی سازد.^۱ در حقوق ایران با توجه به ممنوعیت احضار بدون دلیل در ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری به منظور تأمین امکان دفاع مناسب از خود، ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می کند: «بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می کند مراقب اظهارات خود باشد سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می کند و به او اعلام می نماید که اقرار یا همکاری موثر وی می تواند موجبات تخفیف مجازات را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می کند.» در حقوق آمریکا مطابق رأی دادگاههای تالی نیازی نیست که مأموران بازجو مظنون را از ماهیت اتهامات به منظور کسب اسقاط معتبر حقوقش آگاه نمایند. بر اساس نظر دیوان عالی اسقاط معتبر وجود نخواهد داشت مگر اینکه متهم کاملاً منصفانه و بدون تزویر از نتایج اسقاط حقوق آگاهی یابد. بنابراین وقتی اسقاط این حقوق مطرح است ارائه اطلاعات دقیق و صریح مربوط به ماهیت اتهامات علیه او الزامی است (کوشکی، سهیل مقدم، ۱۳۹۵، ص. ۲۱۴).

۴-۲- سکوت متهم

یکی از مصادیق حقوق دفاعی متهم، حق سکوت در مقابل تحقیقات ضابطان و مقامات قضایی راجع به اتهامات وارد شده به وی است. متهم با تمسک به چنین ابزاری، از حداقل امکان برای تضمین حقوق دفاعی خویش بهره مند می شود، بدون اینکه تکلیفی به همکاری با مقامات قضایی داشته باشد (صالحی، ۱۳۹۰، ص. ۶۸). با توجه به صراحت ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می دارد: «متهم می تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات در صورت مجلس قید

^۱ - Article. ۱۷۲, Code of Criminal Procedure France, ۱۵ june ۲۰۰۰.

می شود.» تردیدی نیست که حق سکوت مورد تایید قانونگذار ما قرار گرفته است. بین حق سکوت متهم و تکلیف پلیس یا مقام قضایی در اعلام این حق، تفاوت وجود دارد و در قوانین ایران هیچگونه تکلیفی بر مقامات مذکور مبنی بر اعلام حق سکوت به متهم وجود ندارد؛ در حالی که امروزه الزام به اعلام این حق به متهم در قوانین دادرسی اکثر کشورهای دنیا به رسمیت شناخته شده است که ضرورت دارد در نظام حقوقی ما نیز هم اصل حق و هم اعلام آن به متهم به طور صریح ذکر شود. در حقوق انگلستان نیز الزام به بیان حق سکوت به متهم و اجتناب از خود اتهامی از جمله اقداماتی است که در راستای تضمین حقوق متهم و برگزاری دادرسی عادلانه مورد پذیرش قرار گرفته اند (خسرونزاد، ۱۳۹۴، همایش). در حقوق انگلستان این نظر بسیار تثبیت شده و قطعی است که متهم را نباید وادار نمود تا به سؤالات پاسخ گوید. به این ترتیب منظور از حق سکوت در حقوق انگلستان این است که متهم نمی تواند تحت زور و اجبار، از سوی پلیس به منظور پاسخگویی به پرسشهای مطرح از طرف آنها قرار گیرد. قدر متیقن آن است که پلیس حق اعمال شکنجه یا خشونت به منظور به حرف در آوردن متهم را ندارد و مکلف است قبل از شروع بازجویی به متهم توضیح دهد چنانچه مطلبی بیان کند، آن مطلب ثبت شده و شاید به عنوان دلیل علیه وی استفاده شود (Pritchard, ۱۹۸۹, p. ۶۶۲). در حقوق آمریکا نیز یکی از حقوق شخص در بازجویی ها حق سکوت است که می بایست تفهیم شود. این موضوع از رای دیوان عالی در پرونده میراندا به وضوح قابل استنباط است.^۱

۴-۳- داشتن وکیل

حق داشتن وکیل، از تضمینات اساسی حقوق دفاعی متهم است که فلسفه وجودی آن حفظ توازن و تساوی متهم و مقام تحقیق در جمع آوری ادله و استفاده مؤثر از قانون و نیز سلب هرگونه سوء استفاده احتمالی ضابطین دادگستری و مقامات قضایی در جمع آوری دلایل غیر حقوقی و غیر قانونی علیه متهم می باشد. کشورها با به رسمیت شناختن حق دسترسی به وکیل در مرحله پیشا دادرسی کوشیده اند تا به این حق؛ به مثابه یکی از جلوه های بارز دادرسی عادلانه، عینیت بخشیده و جایگاه آن را در فرآیند دادرسی کیفری مستحکم سازند (توجهی، کوره پز، ۱۳۹۸، ص. ۷۵). قانونگذار آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ماده ۴۸ به صراحت بر حق متهم به ملاقات با وکیل در مرحله تحت نظر اشاره کرده است. بر اساس این ماده متهم حق برخورداری از معاضدت وکیل مدافع را در مرحله تحت نظر دارد. هر چند قانونگذار در خصوص میزان مداخله وکیل مدافع، شرایطی از قبیل محدودیت زمانی و ضرورت مراعات محرمانه بودن تحقیقات تعیین کرده است (خالقی، ۱۳۹۴، ص. ۸۶). حق برخورداری از وکیل مدافع در انگلستان نیز در جهت تأمین حقوق دفاعی متهم پیش بینی شده است. در مرحله تحقیقات مقدماتی که در مقام تحصیل دلیل از اهمیت بسیار والایی برخوردار است، حق بهره مندی از وکیل مدافع در اداره پلیس به موجب ماده ۵۸ قانون پلیس و دلایل کیفری سال ۱۹۸۴ به رسمیت شناخته شده است. به موجب این ماده و آیین نامه اجرایی آن، متهمین می توانند از لحظه ای که در اداره پلیس به آنها تفهیم اتهام می شود، از مشاوره یک «وکیل» بهره مند گردند. چنین حقی می بایست به اطلاع متهم برسد و نیز این امکان برای متهم فراهم است که «وکیل» خود را در اثنای بازجویی ها معرفی نماید. البته به استناد ماده ۵۸ قانون مذکور پلیس این اختیار را دارد که در بعضی از موارد

^۱ - Miranda warning: پرونده میراندا ناظر به شخصی بود که در خانه اش در فونیکس ایالت اریزونا دستگیر شد. سپس برای تحقیق در ارتباط با زنا و آدم ربایی به اداره پلیس برده شد و با اقرار وی در اداره پلیس در دادگاه محکوم و محکومیت او در دادگاه تجدید نظر تایید شد اما دیوان عالی در رسیدگی به تقاضای میراندا اعلام کرد: ... شخص مظنون قبل از هر پرسش و تحقیقی می بایست از حقوقش آگاه شود که این حقوق عبارتند از: حق سکوت، هر چیزی که که شخص می گوید علیه او در دادگاه به کار خواهد رفت، حق حضور وکیل و اگر توانایی وکیل گرفتن را نداشته باشد وکیل برایش تعیین خواهد شد.»

مثل جرایم مرتبط با تروریسم و یا در شرایطی که حضور وکیل احتمال تخریب و از بین بردن دلایل را به همراه داشته باشد از پذیرش وکیل متهم خودداری نماید. لیکن پلیس می بایست علت موجهی برای عدم پذیرش وکیل متهم داشته باشد. برای اینکه ماده ۷۸ قانون پلیس و دلایل کیفری ۱۹۸۴ به محاکم این اختیار را داده است که آندسته از دلایلی را که در یک فرآیند دادرسی نادرست و برخلاف دادرسی منصفانه تحصیل شده اند را، نپذیرد.

حق داشتن وکیل در حقوق آمریکا در اصلاحیه ششم قانون اساسی (سال ۱۷۹۱) به عنوان یکی از حقوقی که بایستی متهم در کلیه دادرسی های کیفری از آن برخوردار باشد، آمده است. از سوی دیگر در اصلاحیه چهاردهم قانون اساسی (سال ۱۸۶۸) نیز تأکید شده است: «...هیچ ایالتی کسی را بدون طی مراحل قانونی مقتضی از زندگی، آزادی یا حق مالکیت و نیز حمایت مساوی قانون در حوزه قضایی خود محروم نمی سازد.» در حقوق آمریکا نیز برای اشخاص معسر وکیل تسخیری تعیین می شود که حق الزحمه آنان از محل بودجه عمومی تأمین می شود. علاوه بر این آنها می توانند برای موضوع محول شده مامور تحقیق استخدام کنند (کوشکی، سهیل مقدم، ۱۳۹۵، ص. ۲۱۷).

۴-۴- اطلاع به خانواده و معاینه توسط پزشک

به محض سلب آزادی، متهم باید بداند که از این لحظه به بعد، آزادی اش سلب شده است. این امر به لحاظ آثاری که در حقوق انگلستان به طور خاص باقی می گذارد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از دیگر حقوق مظنون و متهم این است که قبل از تحت نظر قرار گرفتن و همچنین در حین آن مورد معاینه قرار گیرد تا از ایجاد برخی محدودیتها و مشکلات احتمالی در آینده جلوگیری شود. حق بر معاینه توسط پزشک در حقوق ایران در صورت نیاز فرد و به صورت اختیاری است (وروایی، بهرامی پور، ۱۳۹۴، ص. ۳۲). در کشور ما تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، حق اطلاع از دستگیری در بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ آن هم به شکل کلی و بدون ضمانت اجرا ذکر شده بود. این بند کلیه مراجع قضایی و ضابطان دادگستری را مکلف کرده بود خانواده دستگیر شدگان را در جریان دستگیری و بازداشت قرار دهند اما در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ این حق به صورت دقیق و مفصل (ماده ۴۹ و ۵۰) مورد پذیرش قرار گرفته است.

از منظر حقوق انگلستان، حق بر ابلاغ و اطلاع از دستگیری و مبانی آن مقوله ای متفاوت از تفهیم اتهام است. تفهیم اتهام، ایراد رسمی اتهام به متهم است که پس از پایان تحقیقات صورت می پذیرد. این در حالی است که اطلاع از دستگیری و مبانی آن، حقی است که در ابتدای دستگیری و قبل از شروع به تحقیقات اعمال می شود. به موجب بند ۲ ماده ۲۸ قانون ۱۹۸۴ اطلاع رسانی به مظنون، صرف نظر از اینکه واقعیت دستگیری یک موضوع مسلم است یا نه، یک تکلیف ضروری است. به موجب بند ۳ مقرر اخیر نیز اگر مبانی دستگیری در همان زمان یا سریع ترین زمان ممکن پس از دستگیری به اطلاع مظنون نرسد، دستگیری غیرقانونی خواهد بود. بند ۴ نیز مقرر می نماید که حتی اگر مبانی دستگیری مسلم باشد، باز هم منافی وظیفه ابلاغ آنها توسط ضابطان نیست مگر اینکه مظنون قبل از امکان ابلاغ، اقدام به فرار نماید. حق متهم تحت نظر به درخواست معاینه توسط پزشک، نوآوری دیگر قانونگذار آیین دادرسی کیفری است که به موجب ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ پیش بینی شده است. در حقوق انگلستان به موجب قانون پلیس و

^۱ - ماده ۵۱ ق.آ.د.ک: « بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می شود. »

دلایل کیفری و آیین نامه اجرایی آن هرگاه شخص نیاز به مراقبت پزشکی داشته باشد، مسؤولیت این امر به عهده افسر بازداشت است و هیچ چیز مانع فراخوانی پزشک پلیس یا عندالاقضاء یک متخصص سلامت دیگر برای بررسی توقیف شده با هدف کسب ادله هر جرمی که او مظنون به دست داشتن در آن است، نمی شود. افسر بازداشت باید مطمئن شود که توقیف شده، مراقبت پزشکی لازم را در سریع ترین زمان ممکن به دست می آورد.

در حقوق آمریکا نیز معمولاً به شخص اجازه داده می شود تا با خانواده اش تماس بگیرد.^۱ در حقوق محلی و ملی ایالات متحده آمریکا برای کنترل پزشکی مقررات ویژه ای وجود ندارد. رویه عملی دادگاههای آمریکا به استعانت از قانون اساسی، متضمن حمایت از مظنونان و متهمان در همه حال و از جمله بازداشت پلیسی است (کوشکی، سهیل مقدم، ۱۳۹۵، ص. ۲۲۱). در مواردی که اشخاص موضوع بازداشت پلیسی تقاضا نمایند که بوسیله پزشک معاینه شوند با این تقاضا موافقت می شود (انصاری، ۱۳۹۰، ص. ۴۷۰).

۴-۵- اظهار آخرین دفاع

از جمله حقوق متهم دادن فرصت آخرین دفاع به وی در پایان تحقیقات مقدماتی و محاکمه است. اینکه متهم بتواند از خود در مقابل اتهامات و دلایل مدعی، دفاع نماید غیر از آخرین دفاع است که به موجب آن به متهم در انتهای رسیدگی فرصت دوباره دفاع از اتهامات و دلایل داده می شود (نریمانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۶). مطابق ماده ۲۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، به متهم یا وکیل وی اعلام می کند که برای برائت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند. زمان احضار متهم یا وکیل وی برای اخذ آخرین دفاع پس از پایان تحقیقات است، فلذا احضار متهم یا وکیل وی پیش از آنکه تحقیقات پایان یافته باشد موجب بی اعتباری آخرین دفاع خواهد بود. صرف اینکه تحقیقات به نظر مقام تحقیق پایان یافته است لیکن دلیل کافی بر وقوع جرم وجود نداشته باشد نمی تواند موجبی برای اخذ آخرین دفاع تلقی گردد. همچنین طبق این ماده اخذ آخرین دفاع در دادسرا متعلق به بزهکاری متهم است و در صورت حصول دلیل بر برائت متهم الزامی به احضار وی برای اخذ آخرین دفاع نیست. در حقوق انگلیس آخرین دفاع، آخرین اظهاراتی است که توسط وکلاء خطاب به هیأت منصفه یا دادگاه بیان می شود که در آن دلایل و مدارکی که به نظر آنها در جریان دادرسی اثبات شده یا طرف دیگر در اثبات آن ناموفق بوده به اختصار بیان می شود (Campbell, ۱۹۸۳: p. ۱۸۳).

۴-۶- اصل برائت

اصل برائت یا فرض بی گناهی، از بنیادی ترین اصول کلی حاکم بر دادرسی عادلانه و منصفانه در نظام های نوین دادرسی کیفری است که در کلیه مراحل دادرسی جاری است. این اصل باعث پیشگیری از خودسری قضات و پلیس در بازداشت و سلب حقوق شهروندان شده و آزادی آنان را تأمین می کند. در موارد برجسب زنی و اتهام، امکان اعمال اجبار و شکنجه علیه او را از بین می برد و با تضمین حق سکوت متهم، مقام تعقیب را مکلف به اثبات جرم اتهامی می کند (شمس ناتری، ۱۳۸۱، ص. ۷۲). تکلیف دادستان به ارائه دلایل توجه اتهام، مهم ترین نتیجه اصل برائت است که لزوم رعایت حقوق دفاعی متهم را نیز توجیه می کند. در فرآیند دادرسی کیفری اعتقاد دادستان به مجرمیت متهم، ادعای خلاف اصلی است که مدعی را مکلف به اثبات آن می نماید؛ در این میان رعایت حقوق دفاعی متهم و برخوردار نمودن او از تسهیلات و فرصت کافی برای تدارک دفاع، تحقق دادرسی عادلانه را تضمین

۱- Hall, op. cit., p. ۴۴۰.

خواهد نمود (آماده، ۱۳۸۸، ص. ۲۲). قانون اساسی ایران در اصل ۳۷ بطور مستقیم و در اصول ۲۰-۲۲-۲۳-۳۲-۳۳-۳۵-۳۸ و ۳۸ نیز بصورت غیر مستقیم اصل برائت را مورد اشاره قرار داده است. البته این اصل در مواد ۸۷۰ الی ۵۷۵ و مواد ۵۷۸ و ۵۷۹ و ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی نیز بصورت تلویحی مورد اشاره قرار گرفته و در ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری نیز صراحتاً بر آن تأکید شده است.

در حقوق اسلامی، ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۶۸ که ثمره تلاش کشورهای اسلامی است و از منابع اسلامی اخذ شده است درباره اصل برائت می گوید: «متهم بی گناه است تا اینکه محکومیتش از راه محاکمه عادلانه ای که همه تضمینها برای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد.» از سوی دیگر قاعده فقهی «البینه علی المدعی و الیمین علی من ادعی علیه» بیانگر اصل برائت در فقه اسلامی است. در حقوق انگلیس در مورد اصل برائت چنین آمده است: «در محاکم کیفری فرضی وجود دارد که متهم بی گناه است و وظیفه تعقیب کنندگان است که بدون هیچگونه تردید معقولی ادله ای ارائه نمایند که هیأت منصفه را نسبت به مجرمیت متهم متقاعد نمایند (رضائی و دیگران، ۱۳۹۷، کنفرانس). در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا نیز اصل برائت از اصول بنیادین است اگر چه در قانون اساسی آمریکا اصل برائت بطور صریح نیانده است، مفاد این اصل بطور گسترده در اصلاحیه های پنجم، ششم و چهاردهم پذیرفته شده است (مؤذن زادگان، ضرغامی، ۱۴۰۰، ص. ۱۷). در نظام حقوقی کانادا نیز منشور حقوق و آزادی های کانادا که یک منشور حقوق شهروندی است و بر اساس قانون اساسی کانادا تنظیم شده است علاوه بر فهرست آزادی های بنیادین در بخش های ۲، ۷، ۸ و ۹ در بخش ۱۱ صراحتاً به اصل برائت تأکید نموده است.

نهاد معامله اتهام در حقوق کامن لا

نهاد معامله اتهام قراردادی است بین مقام تعقیب و متهم که هر دو طرف ملزم به رعایت آن هستند و به موجب آن متهم در ازای اقرار به ارتکاب جرم از مزایایی برخوردار می شود (Oren gazal, limor, ۲۰۰۹: p.۳). این تساهل در حقوق کامن لا یا به شکل تبدیل اتهام متهم، به یک «اتهام سبک تر»^۱ و یا به صورت «تخفیف نسبت به مجازات»^۲ است، «اتهام سبک تر» متضمن کاهش اتهام به جرمی سبک تر در مقابل پذیرش تقصیر است و «تخفیف نسبت به مجازات» در بردارنده جلب موافقت دادستان به تقاضای مجازاتی خفیف تر برای متهم در قبال پذیرش تقصیر خواهد بود. در واقع، در نظامهای دادرسی کیفری که معامله اتهام را پذیرفته اند، در مرحله بعد از تفهیم اتهام، دادستان این اختیار را دارد که در خصوص شروع فرایند رسیدگی و یا ارائه پیشنهاد معامله اتهام به متهم تصمیم گیری کند. اگر چه نقش قضات دادگاهها در معامله اتهام رو به تزاید است (تخفیف نسبت به مجازات)، اما معامله اتهام عمدتاً به عنوان یک توافق میان متهم و دادستان لحاظ می شود (Oren gazal, limor, ۲۰۰۹: p.۴).

جامعه در فرایند معامله اتهام تا حدودی نسبت به آمار واقعی بزهکاری آگاه شده و زمینه برای بررسی علل شیوع ارتکاب جرم یا جرایم خاص فراهم می شود. دولت و دادگستری از نظر اقتصادی سود برده و امکانات خود را صرف جرایم سنگین تر خواهند کرد و در صورت مشروط کردن معامله به پرداخت ضرر و زیانهای بزه دیده، وی نیز منتفع خواهد شد. به علاوه، بزه دیده برای تَشَفُّی خاطر و احساس اجرای عدالت نیازی ندارد که مدت زمانی طولانی را در انتظار بسر برد. بدین ترتیب، اعطای اختیار معامله به دادستان، منافع فرد و جامعه را تضمین کرده و به نوعی مدیریت دادستان بر پرونده های کیفری را متجلی می سازد (حیدری، ۱۳۹۵،

ص. ۴۷). به نظر می‌رسد به دلیل وجود بسترهای هم‌پیوند با نهاد معامله اتهام در نظام عدالت کیفری کشورمان، امکان پیش‌بینی این نهاد کیفری در تحولات آتی آیین دادرسی کیفری ایران وجود دارد. اگر این نهاد به طور کامل و با تمام شرایط لازم برای آن در حقوق ایران اجرا شود و صورت تقلیدی صرف و ناکارآمد از حقوق غرب را نداشته باشد؛ احتمال موفقیت آن و استفاده از مزایای فراوان آن زیاد است.

نتیجه گیری

تبیین مبانی حقوق بشری، امنیتی و سیاسی به عنوان مبانی نقش دادستان در تأمین حقوق متهم در دادرسی های کیفری و تلاش قانونگذار ایرانی در نزدیک نمودن خود به سیستم های نوین عدالت کیفری از طریق برآوردن الزامات ناشی از هر یک از آنها موجب گردیده است وظایف و اختیارات دادستان در حمایت از حقوق شهروندی (متهم) بویژه در تصویب قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ دچار تحول و تغییرات عمده و اساسی شود. اما علی رغم این تلاش بویژه در مورد دادسرا و اختیارات وسیعی که به دادستان داده است، هنوز با سیستم های نوین عدالت کیفری فاصله دارد. اختیاراتی که به دادستان داده شده است از جمله انجام تحقیقات مقدماتی، صدور قرار بازداشت موقت، ارجاع پرونده، اجرای حکم و ... مغایر با الزامات دادرسی عادلانه بوده و موجب تضییع حقوق دفاعی متهم است. علی رغم تعیین ضمانت اجراهای متنوع در حقوق ایران برای حمایت از حقوق متهم، برخی تحولات مثبت کشورهای دیگر که به ترافی شدن مرحله تحقیقات مقدماتی و تساوی سلاحها بین طرفهای دعوا در این مرحله انجامیده، مورد نظر قانونگذار قرار نگرفته است که الزام بازپرس به صدور قرار مستدل در موارد رد درخواست متهم برای انجام اقدام یا تحقیقی که به کشف حقیقت کمک می کند یکی از آنهاست. توقف تعقیب و اقدام علیه تخلفات نهادهای تعقیب توسط مدیریت دادستانی، اجرای «قانون آزادی به قید ضمانت»، الزام به رعایت مقررات بین المللی در تأمین اصول دادرسی عادلانه، تکلیف دادستان بر رعایت قوانین و مقررات در رسیدگی ها و محکوم کردن مجرمین و نظارت مقامات مافوق عهده دار تعقیب بر اجرای وظایف دادستان و توقف تعقیب در صورت تخلف و اقدام علیه آنها و بهره گیری از نهاد معامله اتهام که به دلیل وجود بسترهای هم پیوند در نظام عدالت کیفری کشورمان امکان پیش بینی این نهاد کیفری در تحولات آتی آیین دادرسی کیفری وجود دارد، از ضمانت اجراهای مقرر در حقوق کامن لا برای حمایت از حقوق متهم است. که می توان به بررسی امکان بومی سازی این نهادها در نظام حقوقی ایران پرداخت.

فهرست منابع

الف) فارسی

- اسپنسر، جی، آر. (۱۳۸۴). آیین دادرسی کیفری در انگلیس، ترجمه محمدرضا گودرزی و لیلا مقدادی. انتشارات جنگل.
- اشراقی، حمید رضا. (۱۳۸۶). امنیت قضایی بر مبنای شرف و کرامت انسانی. ماهنامه دادگستر، شماره ۶۶، ص ۴۱.
- افراسیابی، علی، غلامی، حسین. (۱۳۹۸). استقلال نهاد کشف جرم در نظام رسیدگی کیفری ایران. فصلنامه پژوهش های دانش انتظامی، شماره ۳، ص ۲۲۰.
- الله یاری، مهدی، طباطبایی لطفی، عصمت السادات، فقه و مبانی حقوق ایلامی. سال ۵۳، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۶۴-۴۵.
- آماده، غلامحسین. (۱۳۸۸). نقش رییس قوه قضاییه در فرآیند کیفری ایران. تهران: نشر دادگستر.
- امیدی، جلیل. (۱۳۹۲). دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم، علوم جنایی مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۲، چاپ پنجم، ص ۲۲۵.
- انصاری، ولی الله. (۱۳۹۰). حقوق تحقیقات جنایی. تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
- باقرپور، یوسف علی. (۱۳۸۴). تضمینات قانونی و اساسی در دادرسی و تحقیقات مقدماتی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه). فصلنامه بصیرت (دانشگاه آزاد اسلامی) شماره ۳۴، ص ۱۰۲.
- براری لاریمی، محمد. (۱۳۸۸). حقوق متهم و مجرم از منظر فقه اسلامی و حقوق موضوعه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری.
- براری لاریمی، محمد، قبولی درافشان، سید محمدتقی، حقوق متهم با رویکرد فقهی. مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی. سال ۲، شماره ۲، تابستان ۸۹، ص ۵۱-۲۳.
- توجهی، عبدالعلی، کوره پز، حسین محمد. (۱۳۹۸). گونه‌شناسی محدودیت‌های حق دسترسی به وکیل در جرایم امنیتی با تأکید بر مرحله پیش دادرسی: مطالعه تطبیقی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۷، شماره ۲۷، ص ۷۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۹). ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حیدری، الهام. (۱۳۹۵). معامله اتهام در حقوق کامن لا و نهادهای نزدیک به آن در دادرسی کیفری ایران، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، شماره ۱، ص ۴۷.
- حیدری، الهام. (۱۳۹۴). حقوق دفاعی متهم در «دوران تحت نظر» در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۱، ص ۳۴.
- خالقی، علی. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ ۲۹، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- خالقی، علی. (۱۳۹۲). نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری، شهر دانش، چاپ سوم.
- رضائی، غلامحسین، زیرائی، محمدحسین، مرادی، فاطمه. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی اصل برائت در نظام کیفری ایران، فرانسه و انگلستان، دومین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون.
- ساقیان، محمدمهدی، تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۳۹۳، شماره ۶، ص ۱۱۴.
- سید فاطمی، محمد، (۱۳۸۹)، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران: شهردانش.

سیفی، سحر، خسرو نژاد، زهرا، (۱۳۹۴)، مقایسه تطبیقی حقوق دفاعی متهم در نظام حقوقی اسلامی و حقوق انگلستان، اولین همایش ملی علوم انسانی اسلامی.

شاکری، ابوالحسن، نریمانی کناری، یاسر، (۱۳۹۲)، اخذ آخرین دفاع از متهم در حقوق ایران، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره ۲، ص ۱۰۶.

شاملو، باقر، اصل برائت کیفری در نظام های نوین دادرسی، علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۲، چاپ پنجم، ص ۲۶۲.

شمس ناتری، محمدابراهیم، (۱۳۸۱)، اصل برائت و موارد عدول آن در حقوق کیفری، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال چهارم، شماره ۱۴، ص ۷۲.

شهید ثانی، زین الدین بن علی، «الروضه البهیه فی شرح المعه الدمشقیه»، تحقیق: سید محمد کلانتر، البعه اولی، قم: المطبعه الامیر، ۱۴۱۰ ق.

صالحی، جواد، (۱۳۹۰)، حق سکوت متهم، مجله تعالی حقوق، شماره ۱۰، ص ۶۸.

طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، (۱۳۸۶)، حقوق اساسی، تهران: نشر میزان.

عادل پور، نرجس، (۱۳۹۳)، حقوق متهم و محکوم از نظر فقه امامیه و آیین دادرسی کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده الهایت و معارف اسلامی.

علینقی، امیر حسین، (۱۳۷۹)، امنیت قضایی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره چهارم، ص ۵۷.

قاضی، ابوالفضل، (۱۳۸۳)، بایسته های حقوق اساسی، تهران: نشر میزان، چاپ پانزدهم.

کوشکی، غلامحسین، (۱۳۸۷)، بررسی وظایف و اختیارات دادستان در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.

کوشکی، غلامحسین، سهیل مقدم، سحر، (۱۳۹۵) مطالعه تطبیقی حقوق شخص تحت نظر در نظام دادرسی کیفری ایران و آمریکا، مجله حقوق دادگستری، سال هشتادم، شماره ۹۴، ص ۲۱۴.

محمدی اصل، واحد، (۱۳۹۱)، حقوق متهم در فقه و نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران.

مدنی، سید جلال الدین، (۱۳۸۸)، آیین دادرسی کیفری، تهران: نشر پایدار.

موسوی زرین کلایی، قاشم، (۱۳۸۹)، حقوق متهم و مجرم در شریعت اسلام و حقوق مدرن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مؤذن زادگان، حسنعلی، غلامی، حسین، ضرغامی، سیروس، (۱۴۰۰)، ارزیابی منصفانه بودن قراربازداشت موقت در مرحله تعقیب کیفری در نظام حقوقی ایران و آمریکا، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره نهم، شماره ۳۴، ص ۱۷.

نقره کار، محمد صالح، (۱۳۸۸)، نقش دادستان در حمایت از حقوق عامه، انتشارات جنگل.

وروایی، اکبر. بهرامی پور، رسول، (۱۳۹۴)، الزامات ضابطین دادگستری در رابطه با حفظ حقوق شهروندی در نظام حقوق کیفری ایران، مجله کارآگاه، شماره ۳۲، ص ۳۲.

وکیل، امیر ساعد، عسکری، پوریا، (۱۳۸۷)، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.

(ب) لاتین

- Barnard, David (۱۹۷۴), *The Criminal Court in Action*, London, Butterworths Publication, P. ۴.
- Campbell, Henry blak (۱۹۸۳). *BLAK'S LAW DICTIONARY*. st. paul. minn. west publishing co, P. ۱۸۳.
- Oren gazal, ayal and limor riza (۲۰۰۹), *Plea bargaining and prosecution*, European association of law and economics, working paper, No. ۰۱۳, P. ۳.
- Kirally , A.K.R, *the English legal system*, London, ۱۹۹۰, P. ۱۱۴.
- Pritchard, john, (۱۹۸۹), *Guide to the Law*, London, P. ۶۶۲.
- Vander Bilt, (۱۹۵۳) ,*The Role of Procedure in the Protection of freedom*, University of Chicago, Conference on Freedom and the Law, Conf., Ser. No. ۱۳, P. ۹۸.
- Zander, M. (۲۰۰۳). *Cases & Materials on the English Legal System*. Lexis Nexis, ۹ thed, P. ۱۲.

